

پیش بینی سبک‌های دلبستگی بزرگسالی از طریق تجارب سوءرفتار در کودکی The Prediction of Adult Attachment Styles through Childhood Abuse Experiences

Sonia Badbareh

M.A. in Psychology, Dept. of Psychology, Urmia Branch, Islamic Azad University, Urmia, Iran

Dr. Ali Zeinali*

Associate Professor, Department of Psychology, Urmia Branch, Islamic Azad University, Urmia, Iran

a.zeinali@iaurmia.ac.ir

سونیا بادبره

کارشناسی ارشد گروه روان شناسی، واحد ارومیه، دانشگاه آزاد اسلامی،

ارومیه، ایران

دکتر علی زینالی (نویسنده مسئول)

دانشیار گروه روان شناسی، واحد ارومیه، دانشگاه آزاد اسلامی، ارومیه، ایران

Abstract

One of the most critical environmental factors in the formation of attachment is childhood experiences, especially childhood abuse experiences. This study aimed to investigate the role of childhood abuse experiences on attachment dimensions among adulthood. This study was a descriptive-analytical from correlation type. The statistical population included all university students in the Islamic Azad University of Urmia branch in the 2015 year. Totally 385 students were selected through a random cluster sampling method. All of them completed the childhood abuse experiences questionnaire (Mohammadkhani et al, 2003) and attachment questionnaires (van Oudenhoven et al, 2003). Data were analyzed by Pearson's correlation and multivariate regression method. Findings showed Physical, emotional, sexual abuse and neglect have a significant negative relationship with secure attachment. Emotional abuse had a significant positive correlation with preoccupied and fearful attachment. Physical and sexual abuse has a significant positive relationship with dismissing attachment. Neglect abuse doesn't have any significant association with insecure attachment dimensions. Also, childhood abuse experiences significantly predicted 15, 8/6, 1/6 and 5/5 percent of the variance of secure, preoccupied, fearful and dismissing attachment, respectively ($p \leq 0/01$). According to the findings of this research, counselors and therapists should pay attention to these variables and design appropriate programs to create secure attachment and prevent shaping insecure attachment dimensions.

Keywords: Childhood, Abuse, Attachment, Adulthood

چکیده

یکی از مهمترین عوامل محیطی در شکل‌گیری دلبستگی، تجربه‌های دوران کودکی به ویژه تجربه سوءرفتار کودکی است. این مطالعه با هدف تعیین نقش تجربه‌های سوءرفتار دوره کودکی در شکل‌دهی ابعاد دلبستگی در بزرگسالی انجام شد. این پژوهش توصیفی-تحلیلی از نوع همبستگی بود. جامعه آماری این پژوهش همه دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد ارومیه در سال ۱۳۹۴ بودند. در مجموع ۳۸۵ دانشجو با روش نمونه‌گیری تصادفی خوشه‌ای انتخاب شدند. همه آنان پرسشنامه خودگزارشی کودک-آزاری (محمدخانی و همکاران، ۲۰۰۳) و پرسشنامه سبک‌های دلبستگی (وان اودن‌هاون و همکاران، ۲۰۰۳) را تکمیل کردند. داده‌ها با روش همبستگی پیرسون و رگرسیون چندمتغیری تحلیل شدند. یافته‌ها نشان دادند، بین سوءرفتار جسمی، عاطفی، جنسی و غفلت با دلبستگی ایمن رابطه منفی و معنادار وجود دارد. بین سوءرفتار عاطفی با دلبستگی اشتغال خاطر و هراسان رابطه مثبت و معنادار وجود دارد. بین سوءرفتار جسمی و جنسی با دلبستگی اجتنابی رابطه مثبت و معنادار وجود دارد. سوءرفتار غفلت با دلبستگی‌های نایمن (اشتغال خاطر، هراسان و اجتنابی) ارتباط معنی‌داری ندارد. همچنین تجربه‌های سوءرفتار کودکی به طور معناداری توانستند ۱۵ درصد از تغییرات دلبستگی ایمن، ۸/۶ درصد از تغییرات دلبستگی اشتغال خاطر، ۱/۶ درصد از تغییرات دلبستگی هراسان و ۵/۵ درصد از تغییرات دلبستگی اجتنابی را پیش‌بینی کنند ($p \leq 0/01$). با توجه به نتایج این پژوهش مشاوران و درمانگران باید به این متغیرها توجه کرده و بر اساس آنها برنامه‌های مناسبی برای ایجاد دلبستگی ایمن و جلوگیری از شکل‌گیری ابعاد دلبستگی نایمن طراحی کنند.

واژه های کلیدی: کودکی، سوءرفتار، دلبستگی، بزرگسالی

ویرایش نهایی: اسفند ۹۸

پذیرش: بهمن ۹۸

دریافت: بهمن ۹۷

نوع مقاله: پژوهشی

مقدمه

نظریه دلبستگی^۱ یکی از نظریه‌های مناسب برای شناخت روش‌های سازش‌یافته و سازش‌نایافته‌ای است که افراد از طریق آنها با چالش‌های زندگی مواجه می‌شوند (میر، پیلکونیسو پرویتی^۲، ۲۰۰۱). بالبی^۳ نظریه دلبستگی را با توجه به تعامل مادر و کودک در فرایند

1. Attachment theory
2. Meyer, Pilkonis & Proietti
3. Bowlby

رشد ارائه کرد و به سوالاتی در مورد چگونگی شکل‌گیری دلبستگی، اهمیت این رابطه و ارزش تکاملی آن پاسخ داد. کنش متقابل و رابطه عاطفی بین مادر و نوزاد به روابط اجتماعی کودک در آینده شکل می‌دهد و شیوه برخورد مادر با کودک در چگونگی اجتماعی شدن و کسب مهارت‌های اجتماعی وی تاثیر می‌گذارد (سادوک، سادوک و رویز،^۱ ۲۰۰۹). بر اساس نظریه دلبستگی افراد تجربه‌های اولیه خود با مراقبان را درونی‌سازی کرده و روان‌سازه‌های شناختی پایداری از روابط را شکل می‌دهند. این روان‌سازه‌ها تصور فرد از خود به عنوان یک فرد شایسته مراقبت و دریافت حمایت از دیگران را تحت‌تاثیر قرار می‌دهد. همچنین این روان‌سازه‌های شناختی بر تعامل فرد با دیگران و تعبیر و تفسیر فرد از وقایع در طول زندگی تاثیر دارد (پیکرینگ، سیمپسون و بنتال،^۲ ۲۰۰۸؛ میکولینسر و شاور،^۳ ۲۰۰۵). بزرگسالانی که دلبستگی ایمن دارند معمولاً دیدگاه مثبتی نسبت به خود و دیگران دارند و احساس می‌کنند دوست‌داشتنی هستند. این افراد قادرند افکار و احساسات خود را بازگو کنند و از دیگران انتظار دارند نسبت به عواطف آنان پاسخ دهند. آنان عواطف منفی را کوچک‌نمایی می‌کنند و تلاش می‌کنند تعارضات عاطفی را حل کنند (دیویدسون و کارول،^۴ ۲۰۰۹). بزرگسالانی که دلبستگی ناایمن دارند معمولاً مضطرب و دل‌مشغول هستند و علاقه زیادی به صمیمیت دارند، اما نگرانی زیادی درباره طرد شدن دارند. بنابراین این گروه در مورد دوست‌داشتنی بودن خود تردید دارند و در زمان‌هایی که روابط خود را در خطر ببینند مستعد دوره‌های ناگهانی حسادت، هراس و خشم هستند (مک ویلیامز و بیلی،^۵ ۲۰۱۰).

بر اساس مدل بارسلومو و هوروویتر^۶ (۱۹۹۱) افکار و احساساتی که در نتیجه تجارب دلبستگی اولیه در کودک ایجاد می‌شود به مدل کارکرد درون‌روانی^۷ یا نگرش‌های شناختی-هیجانی تبدیل و موجب می‌شود کودک خود را ارزشمند و دوست‌داشتنی (مدل خود مثبت) و دیگران را ارزشمند و قابل اعتماد (مدل دیگران مثبت) و یا خود را بی‌کفایت و حساس به طرد (مدل خود منفی) و دیگران را غیرقابل اعتماد و بی‌ارزش (مدل دیگران منفی) تلقی نماید. بر این اساس آنان چهار شیوه دلبستگی ایمن^۸، اشتغال خاطر^۹، هراسان^{۱۰} و اجتنابی^{۱۱} را بیان کردند (آسمیت^{۱۲} و همکاران، ۲۰۰۴). در دلبستگی ایمن افراد کارکرد درون‌روانی مثبت نسبت به خود همراه با کارکرد درون‌روانی مثبت نسبت به دیگران دارند. در دلبستگی اشتغال خاطر افراد کارکرد درون‌روانی منفی نسبت به خود همراه با کارکرد درون‌روانی مثبت نسبت به دیگران دارند. در دلبستگی هراسان افراد کارکرد درون‌روانی منفی نسبت به خود و دیگران دارند. در دلبستگی اجتنابی افراد کارکرد درون‌روانی مثبت نسبت به خود همراه با کارکرد درون‌روانی منفی نسبت به دیگران دارند (زینالی، ۱۳۹۲). افراد دارای شیوه‌های دلبستگی ایمن تعارض کمتر، رضایت بیشتر، ثبات بیشتر و دوره‌های طولانی‌تر روابط را تجربه می‌کنند و افراد دارای شیوه‌های دلبستگی ناایمن تعارض بیشتر، رضایت کمتر، ثبات کمتر و دوره‌های کوتاه‌تر روابط را تجربه می‌کنند (سیبلی،^{۱۳} ۲۰۰۷).

در ایجاد و رشد سبک‌های دلبستگی عوامل متعددی مانند عوامل زیست‌شناختی، روان‌شناختی، محیطی و غیره نقش دارند (گوردون^{۱۴} و همکاران، ۲۰۰۸؛ دورون، مالدینگ، کیریوس و ندلجکویک^{۱۵}، ۲۰۰۹). از عوامل محیطی که در ایجاد و رشد دلبستگی موثر هستند، می‌توان به تجربه‌های اولیه کودکان با مراقبان آنان اشاره کرد (پیکرینگ و همکاران، ۲۰۰۸). تجربه‌های دوران کودکی به ویژه تجربه‌های سوءرفتار کودکی^{۱۶} می‌تواند نقش مهمی در ایجاد دلبستگی داشته باشند (کاراکوش^{۱۷}، ۲۰۱۲). سوءرفتار کودکی عبارت است

پرتال جامع علوم انسانی

1. Sadock, Sadock & Ruiz
2. Pickering, Simpson & Bentall
3. Mikulincer & Shaver
4. Davidson & Carol
5. McWilliams & Bailey
6. Bartholomew & Horowitz
7. internal working models
8. secure
9. preoccupied
10. fearful
11. dismissing
12. Schmitt
13. Sibley
14. Gordon, Zagoory, Schneiderman & Leckman
15. Doron, Moulding, Kyrios & Nedljkovic
16. Childhood abuse experiences
17. Karakus

از آسیب‌های جسمی^۱، عاطفی^۲، جنسی^۳ و غفلت^۴ به یک کودک که توسط فرد مسئول رفاه و آسایش کودک اعمال می‌شود. این سوءرفتارها می‌توانند به صورت تنهایی یا همراه با هم اتفاق بیفتند (اقدم، علیلو و رضائی، ۲۰۱۳). سوءرفتار جسمی یکی از شدیدترین اشکال سوءرفتار است که شامل وارد کردن صدمه جسمی عمدی به کودک توسط والد یا مراقب او است. سوءرفتار عاطفی شامل اعمال کلامی یا نمادی عمدی توسط والد یا مراقب کودک است که به صدمه عاطفی یا روانی منجر می‌شود. سوءرفتار جنسی شامل هر گونه عمل جنسی با هدف ارضای جنسی والد یا مراقب کودک انجام می‌شود. سوءرفتار غفلت به هر گونه عمل یا عدم انجام عمل توسط والد یا مراقب کودک است که کودک را از نیازهای اساسی محروم می‌کند و باعث صدمه جسمی یا عاطفی می‌شود (فوجی وارا، اوکویاما و ایزومی^۵، ۲۰۱۲).

مطالعات نشان می‌دهد، سوءرفتار دوران کودکی با ابعاد دل‌بستگی نایمن رابطه مثبت و معنادار دارد (میزوکی، فوجی وارا و اوکویاما^۶، ۲۰۱۵؛ هرنگوهل، سوسا، تاجی ما، هرنگوهل^۷ و مویلان، ۲۰۰۸). برای مثال میزوکی و همکاران (۲۰۱۵) به این نتیجه رسیدند که سوءرفتار عاطفی با دل‌بستگی نایمن ارتباط مثبت و معنادار، با دل‌بستگی ایمن ارتباط منفی و معنادار، و با دل‌بستگی اجتنابی رابطه مثبت و معنادار دارد (کواکو، نول، پوت نام و تریکت^۸، ۲۰۱۰). همچنین کاراکوش (۲۰۱۲) در پژوهشی با عنوان ارتباط سوءرفتار دوران کودکی با سبک‌های دل‌بستگی نوجوانان به این نتیجه رسید که بین سوءرفتار جسمی با سبک دل‌بستگی ایمن ارتباط منفی و معنادار و با دل‌بستگی هراسان و اشتغال خاطر ارتباط مثبت و معنادار وجود دارد. بین سوءرفتار عاطفی با سبک دل‌بستگی ایمن ارتباط منفی و معنادار و با دل‌بستگی اجتنابی ارتباط مثبت و معنادار وجود دارد. بین سوءرفتار جنسی با سبک دل‌بستگی ایمن ارتباط منفی و معنادار و با دل‌بستگی اجتنابی ارتباط مثبت و معنادار وجود دارد. بین سوءرفتار غفلت با دل‌بستگی ایمن ارتباط منفی و معنادار و با دل‌بستگی اشتغال خاطر ارتباط مثبت و معنادار وجود دارد.

شیوه‌های دل‌بستگی نقش مهمی در بسیاری از حیطه‌های زندگی فرد به ویژه در شکل‌دهی، نگهداری، قطع و بازسازی روابط با دیگران دارد. علاوه بر آن شیوه‌های دل‌بستگی با نحوه مقابله با تنیدگی، رضایت از زندگی، رضایت زناشویی، اختلالات خلقی ارتباط دار (محمدصادقی، احمدزاد اصل، محمدصادقی، قنبری جلفایی و نوحه سر، ۲۰۱۵). با وجود اینکه شیوه‌های دل‌بستگی می‌توانند از تجربه‌های سوءرفتار دوره کودکی تاثیر بپذیرند، پژوهش‌های اندکی درباره ارتباط انواع تجربه‌های سوءرفتار کودکی با ابعاد دل‌بستگی (ایمن، اشتغال خاطر، هراسان و اجتنابی) انجام شده است. لذا این پژوهش به دنبال این سوال است که آیا بین انواع تجربه‌های سوءرفتار دوره کودکی با ابعاد دل‌بستگی در بزرگسالی ارتباط وجود دارد؟

روش

این پژوهش توصیفی - تحلیلی از نوع همبستگی بود. جامعه آماری این پژوهش همه دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد ارومیه در سال ۱۳۹۴ بودند. در این پژوهش ۳۸۵ دانشجو با روش نمونه‌گیری تصادفی خوشه‌ای انتخاب شدند. روند اجرای پژوهش به این صورت بود که پس از هماهنگی و کسب مجوز از معاون پژوهشی دانشگاه، ۳۸۵ دانشجو از دانشکده‌های مختلف انتخاب شد. پس از دریافت رضایت‌نامه کتبی جهت شرکت در پژوهش، پرسشنامه‌ها توزیع و پس از تکمیل شدن جمع‌آوری شد. همچنین شرط ورود به مطالعه برخورداری از سلامت جسمی و روانی، عدم رخداد عامل تنیدگی‌زا مانند طلاق و یا مرگ عزیزان نزدیک در شش ماه گذشته و شرط خروج از مطالعه امتناع شرکت‌کننده از ادامه همکاری و یا دستیابی به پرسشنامه‌های نامعتبر بود. برای تحلیل داده‌ها از روش همبستگی پیرسون و رگرسیون چندمتغیری با مدل همزمان به کمک نرم‌افزار SPSS-19 استفاده شد.

ابزار سنجش

1. Physical
2. Emotional
3. Sexual
4. Neglect
5. Fujiwara, Okuyama & Izumi
6. Mizuki, Fujiwara & Okuyama
7. Herrenkohl, Sousa, Tajima, Herrenkohl & Moylan
8. Kwako, Noll, Putnam & Trickett

پرسشنامه خودگزارشی کودک‌آزاری^۱: این پرسشنامه که توسط محمدخانی و همکاران (۲۰۰۳) طراحی شده است، دارای ۵۴ گویه است که با استفاده از مقیاس چهار درجه‌ای لیکرتی از صفر (هرگز) تا سه (همیشه) نمره‌گذاری می‌شود. این ابزار چهار بعد تجربه‌های سوءرفتار جسمی، عاطفی، جنسی و غفلت را اندازه‌گیری می‌کند. نمره ابعاد با جمع کردن نمره گویه‌های آن بعد به دست می‌آید و هر چه آزمودنی نمره بالاتری کسب کند، به میزان بیشتری در آن بعد دچار سوءرفتار شده است. سازندگان ابزار، روایی محتوایی و ملاکی آن را تایید کردند و پایایی کل ابزار و سوءرفتارهای جسمی، عاطفی، جنسی و غفلت را با روش آلفای کرونباخ در دامنه ۰/۷۸ تا ۰/۹۲ گزارش کردند (محمدخانی، محمدی، نظری و رزاقی، ۲۰۰۳).

پرسشنامه سبک‌های دلبستگی^۲: این پرسشنامه توسط وان آودن‌هاون^۳ و همکاران (۲۰۰۳) طراحی شده است. دارای ۲۲ گویه است که با استفاده از مقیاس پنج درجه‌ای لیکرتی از یک (کاملاً مخالفم) تا پنج (کاملاً موافقم) نمره‌گذاری می‌شود. این ابزار چهار بعد دلبستگی ایمن، اشتغال خاطر، هراسان و اجتنابی را اندازه‌گیری می‌کند. نمره ابعاد با جمع کردن نمره گویه‌های آن بعد به دست می‌آید. هر چه آزمودنی نمره بالاتری کسب کند، به میزان بیشتری دارای آن سبک دلبستگی است. آنان روایی سازه ابزار را تایید کردند و پایایی ابعاد دلبستگی ایمن، اشتغال خاطر، هراسان و اجتنابی را در کشور لهستان با روش آلفای کرونباخ به ترتیب ۰/۷۱، ۰/۷۰، ۰/۷۴ و ۰/۶۳ گزارش کردند (پولک، ون‌اودن هون و برگ، ۲۰۰۸). روایی پرسشنامه سبک‌های دلبستگی در ایران برآورد شده است. شاخص‌های برازندگی آن در حد مطلوب گزارش شده است (RMSEA=۰/۹۰، NFI=۰/۹۰، CFI=۰/۹۱، CMIN=۲۹۱/۷۵، CMIN/DF=۱/۹۹). پایایی زیرمقیاس‌های پرسشنامه به روش آلفای کرونباخ برای دلبستگی ایمن، اشتغال خاطر، هراسان و دوری‌گزین به ترتیب ۰/۷۴، ۰/۷۱، ۰/۷۰ و ۰/۶۹ بدست آمده است (زینالی، ۱۳۹۲).

یافته‌ها

شرکت‌کنندگان شامل ۳۸۵ دانشجوی دانشگاه آزاد اسلامی واحد ارومیه با میانگین سنی ۲۳/۱۴ سال بودند (۲۱۷ نفر مرد و ۱۶۸ نفر زن). از میان آنان ۳۱۶ نفر مجرد (۰/۸۲/۰۸) و ۶۹ نفر متأهل (۰/۱۷/۹۲) بودند. پیش از تحلیل داده‌ها با رگرسیون چندگانه، پیش فرض‌های تحلیل رگرسیون مورد ارزیابی قرار گرفت. نتایج آزمون کولموگروف - اسمیرنوف برای هیچ یک از متغیرها معنادار نبود که این یافته حاکی از آن است که فرض نرمال بودن برای همه متغیرها برقرار است. همچنین مقدار عامل تورم واریانس^۵ برابر با ۱/۶۱۵ بود که از ۱۰ فاصله بسیار زیادی دارد، بنابراین فرض هم‌خطی بودن چندگانه رد می‌شود. علاوه بر آن مقدار دوربین - واتسون^۶ برابر با ۱/۹۸۱ بود که از ۰ و ۴ فاصله دارد، بنابراین فرض همبستگی پسماندها نیز رد می‌شود. با توجه به نکاتی که ذکر شد پیش‌فرض‌های استفاده از رگرسیون وجود دارد (میرز، گامست و گارینو^۷، ۲۰۱۲؛ ترجمه پاشاشریفی و همکاران، ۲۰۱۵). در جدول ۱ شاخص‌های آماری میانگین، انحراف استاندارد، کمترین مقدار و بیشترین مقدار متغیرهای پژوهش ارائه شده است.

جدول (۱): شاخص‌های توصیفی متغیرهای پژوهش

متغیرها	میانگین	انحراف استاندارد	کمترین مقدار	بیشترین مقدار
سوءرفتار جسمی	۲/۴۵	۳/۶۹۰	۰	۲۴
سوءرفتار عاطفی	۷/۲۸	۶/۸۹۹	۰	۳۹
سوءرفتار جنسی	۱/۳۷	۲/۰۵۵	۰	۱۵
سوءرفتار غفلت	۲۵/۳۲	۶/۶۶۶	۰	۳۳
دلبستگی ایمن	۲۱/۳۸	۲/۸۶۲	۱۰	۲۹
دلبستگی اشتغال خاطر	۱۸/۸۰	۴/۰۴۹	۷	۳۰

1. Child Abuse and Self Report Scale (CASRS)
2. Attachment Style Questionnaire(ASQ)
3. Van Oudenhoven
4. Polek, Van Oudenhoven & Berge
5. Variance Inflation Factor
6. Durbin-Watson
7. Myers, Gamest & Garino

دلبستگی هراسان	۱۳/۴۴	۳/۱۵۴	۴	۲۰
دلبستگی اجتنابی	۱۱/۳۷	۲/۲۷۹	۴	۱۵

در جدول ۲ نتایج ضرایب همبستگی پیرسون بین تجربه‌های سوءرفتار کودکی با ابعاد دلبستگی دانشجویان ارائه شده است.

جدول (۲): ضرایب همبستگی تجربه‌های سوءرفتار کودکی با ابعاد دلبستگی دانشجویان

متغیر پیش‌بین / متغیر ملاک	دلبستگی ایمن	دلبستگی اشتغال‌خاطر	دلبستگی هراسان	دلبستگی اجتنابی
سوءرفتار جسمی	-۰/۱۳**	۰/۰۵	۰/۰۲	۰/۱۳**
سوءرفتار عاطفی	-۰/۱۶**	۰/۲۷**	۰/۱۲**	۰/۰۴
سوءرفتار جنسی	-۰/۲۲**	-۰/۰۲	-۰/۰۴	۰/۱۸**
سوءرفتار غفلت	-۰/۱۵**	۰/۰۷	-۰/۰۳	۰/۰۵

۰/۰۵**p ≤ ۰/۰۱**p ≤

طبق یافته‌های جدول ۲، سوءرفتار جسمی با دلبستگی ایمن ارتباط منفی و معنادار ($r = -0/13$) و با دلبستگی اجتنابی ارتباط مثبت و معنادار ($r = -0/13$) دارد اما با دلبستگی اشتغال‌خاطر و هراسان ارتباط معناداری ندارد. سوءرفتار عاطفی با دلبستگی ایمن ارتباط منفی و معنادار ($r = -0/16$) و با دلبستگی اشتغال‌خاطر ($r = 0/27$) و هراسان ($r = 0/12$) ارتباط مثبت و معنادار دارد اما با دلبستگی اجتنابی ارتباط معناداری ندارد. سوءرفتار جنسی با دلبستگی ایمن ارتباط منفی و معنادار ($r = -0/22$) و با دلبستگی اجتنابی ارتباط مثبت و معنادار ($r = 0/18$) دارد اما با دلبستگی اشتغال‌خاطر و هراسان ارتباط معناداری ندارد. سوءرفتار غفلت با دلبستگی ایمن ارتباط منفی و معنادار ($r = -0/15$) دارد اما با دلبستگی اشتغال‌خاطر، هراسان و اجتنابی ارتباط معناداری ندارد.

در جدول ۳ نتایج آزمون رگرسیون چندمتغیری با روش همزمان برای بررسی پیش‌بینی ابعاد دلبستگی دانشجویان از طریق تجارب سوءرفتار کودکی ارائه شده است.

جدول (۳): خلاصه تحلیل رگرسیون چندمتغیری با روش همزمان برای پیش‌بینی ابعاد دلبستگی از طریق تجارب سوءرفتار کودکی

متغیرهای پیش‌بین	متغیر ملاک	R	R ²	df	آماره F	معناداری	β	معناداری
سوءرفتار جسمی	ایمن	۰/۳۸۸	۰/۱۵۰	۴	۳/۴۶۲	۰/۰۱	-۰/۱۱	۰/۰۲
سوءرفتار عاطفی	ایمن	۰/۳۸۸	۰/۱۵۰	۴	۳/۴۶۲	۰/۰۱	-۰/۱۲	۰/۰۲
سوءرفتار جنسی	ایمن	۰/۳۸۸	۰/۱۵۰	۴	۳/۴۶۲	۰/۰۱	-۰/۲۰	۰/۰۱
سوءرفتار غفلت	ایمن	۰/۳۸۸	۰/۱۵۰	۴	۳/۴۶۲	۰/۰۱	-۰/۱۵	۰/۰۱
سوءرفتار جسمی	اشغال‌خاطر	۰/۲۹۳	۰/۰۸۶	۴	۸/۹۱۳	۰/۰۱	۰/۰۹	۰/۱۱
سوءرفتار عاطفی	اشغال‌خاطر	۰/۲۹۳	۰/۰۸۶	۴	۸/۹۱۳	۰/۰۱	۰/۲۵	۰/۰۱
سوءرفتار جنسی	اشغال‌خاطر	۰/۲۹۳	۰/۰۸۶	۴	۸/۹۱۳	۰/۰۱	۰/۰۸	۰/۶۹
سوءرفتار غفلت	اشغال‌خاطر	۰/۲۹۳	۰/۰۸۶	۴	۸/۹۱۳	۰/۰۱	۰/۰۵	۰/۳۸
سوءرفتار جسمی	هراسان	۰/۱۲۵	۰/۰۱۶	۴	۲/۹۱۳	۰/۰۲	۰/۰۱	۰/۷۱
سوءرفتار عاطفی	هراسان	۰/۱۲۵	۰/۰۱۶	۴	۲/۹۱۳	۰/۰۲	۰/۱۰	۰/۰۴
سوءرفتار جنسی	هراسان	۰/۱۲۵	۰/۰۱۶	۴	۲/۹۱۳	۰/۰۲	-۰/۰۲	۰/۶۹
سوءرفتار غفلت	هراسان	۰/۱۲۵	۰/۰۱۶	۴	۲/۹۱۳	۰/۰۲	۰/۰۱	۰/۳۸
سوءرفتار جسمی	اجتنابی	۰/۲۳۴	۰/۰۵۴	۴	۳/۷۲۹	۰/۰۱	۰/۰۱۲	۰/۰۱
سوءرفتار عاطفی	اجتنابی	۰/۲۳۴	۰/۰۵۴	۴	۳/۷۲۹	۰/۰۱	۰/۰۵	۰/۳۱
سوءرفتار جنسی	اجتنابی	۰/۲۳۴	۰/۰۵۴	۴	۳/۷۲۹	۰/۰۱	۰/۱۶	۰/۰۱
سوءرفتار غفلت	اجتنابی	۰/۲۳۴	۰/۰۵۴	۴	۳/۷۲۹	۰/۰۱	۰/۰۶	۰/۲۸

طبق یافته‌های جدول ۳، تجربه‌های سوءرفتار کودکی توانستند به طور معناداری ۱۵ درصد از تغییرات دلبستگی ایمن دانشجویان را پیش‌بینی کنند ($R^2=0/15$, $P\leq 0/01$). در این مدل سوءرفتار جنسی، غفلت، عاطفی و جسمی به ترتیب بیشترین تا کمترین اثر معکوس و معنادار بر روی دلبستگی ایمن دانشجویان داشتند. تجربه‌های سوءرفتار کودکی توانستند به طور معناداری ۸/۶ درصد از تغییرات دلبستگی اشتغال‌خاطر دانشجویان را پیش‌بینی کنند ($R^2=0/086$, $P\leq 0/01$). در این مدل فقط سوءرفتار عاطفی اثر مستقیم و معناداری بر دلبستگی اشتغال‌خاطر دانشجویان داشت. تجربه‌های سوءرفتار کودکی توانستند ۱/۶ درصد از تغییرات دلبستگی هراسان را پیش‌بینی کنند ($R^2=0/016$, $P\leq 0/02$). در این مدل فقط سوءرفتار عاطفی اثر مستقیم و معناداری بر روی دلبستگی هراسان دانشجویان داشت. تجربه‌های سوءرفتار کودکی توانستند ۵/۴ درصد از تغییرات دلبستگی اجتنابی را پیش‌بینی کنند ($P\leq 0/01$), $R^2=0/054$). در این مدل سوءرفتار جنسی و جسمی به ترتیب بیشترین تا کمترین اثر مثبت و معنادار بر روی دلبستگی اجتنابی دانشجویان داشتند.

بحث و نتیجه گیری

این پژوهش با هدف بررسی نقش تجربه‌های سوءرفتار دوره کودکی در پیش‌بینی ابعاد دلبستگی دانشجویان انجام شد. قسمتی از یافته‌های پژوهش نشان داد سوءرفتار جسمی، عاطفی، جنسی و غفلت با دلبستگی ایمن دانشجویان رابطه منفی و معنادار دارند و تجربه‌های سوءرفتار کودکی تولدایی پیش‌بینی و اثر معکوس معنادار بر دلبستگی ایمن دانشجویان را دارد. این نتایج با یافته‌های پژوهش‌های قبلی همسو بود. برای مثال کاراکوش (۲۰۱۲) یافت که بین سوءرفتار جسمی، عاطفی، جنسی و غفلت با دلبستگی ایمن ارتباط منفی و معنادار وجود دارد. به عبارت دیگر افرادی که در ارتباط با مراقبان خود مورد سوءرفتار جسمی، عاطفی، جنسی و غفلت قرار نگرفتند، بین آنان و مراقبان آنان پیوند عاطفی پایدار برقرار شده و در نتیجه فرزندان یک مدل کارکرد درون‌روانی مثبت از خود که افرادی ارزشمند و دوست‌داشتنی هستند ایجاد کردند و یک مدل کارکرد درون‌روانی مثبت نیز از دیگران ایجاد کردند که دیگران نیز حمایت‌کننده، پذیرنده و گرم هستند. در نتیجه هر قدر والدین در تربیت فرزندان مراقب باشند که آنان دچار سوءرفتار جسمی، عاطفی، جنسی و غفلت نشوند، دلبستگی ایمن فرزندان بالا می‌رود.

یافته دیگر پژوهش حاضر این بود که سوءرفتار عاطفی با دلبستگی اشتغال‌خاطر و هراسان رابطه مثبت و معنادار داشت. سوءرفتار عاطفی توانایی پیش‌بینی و اثر مثبت معنادار بر روی دلبستگی اشتغال‌خاطر و هراسان دانشجویان را داشت. این نتایج با یافته‌های پژوهش‌های میزوکا و همکاران (۲۰۱۵) و هرنگوئل و همکاران (۲۰۰۸) همسو بود. میزوکا و همکاران (۲۰۱۵) به این نتیجه رسیدند که سوءرفتار عاطفی با دلبستگی ناایمن ارتباط مثبت و معنادار دارد. هرنگوئل و همکاران (۲۰۰۸) نیز به این نتیجه رسیدند که سوءرفتار دوران کودکی با ابعاد دلبستگی ناایمن رابطه مثبت و معنادار دارد. در تبیین ارتباط مثبت و معنادار سوء رفتار عاطفی با دلبستگی هراسان و اشتغال‌خاطر می‌توان گفت افرادی که مورد سوءرفتار عاطفی قرار گرفتند کسانی بودند که به صورت کلامی یا نمادی (با استفاده از نیرنگ، زور و تحقیر) از طرف والد یا مراقبت‌کننده، بارها دچار صدمه روانی شدند. این امر نخست باعث شده است که آنان در برقراری روابط با دیگران دائم‌نگران باشند و یا اینکه از لحاظ ذهنی درگیر باشند و افکار مزاحم دائماً در ذهن آنها تکرار شوند. این عوامل در نهایت باعث می‌شوند که میزان دلبستگی هراسان و دلبستگی اشتغال‌خاطر افزایش یابد. همچنین تجربه سوءرفتار عاطفی توانایی پیش‌بینی مثبت و معنادار دلبستگی اشتغال‌خاطر و هراسان دانشجویان را داشتند. در تبیین توانمند بودن تجربه‌های سوءرفتار عاطفی در پیش‌بینی دلبستگی اشتغال‌خاطر می‌توان گفت، بزرگسالانی که دلبستگی ناایمن دارند، معمولاً مضطرب و دل مشغول هستند و علاقه زیادی به صمیمیت دارند، اما نگرانی زیادی درباره طرد شدن دارند. بنابراین این گروه در مورد دوست‌داشتنی بودن خود تردید دارند و در زمان‌هایی که روابط خود را در خطر ببینند مستعد دوره‌های ناگهانی حسادت، هراس و خشم هستند (مک ویلیامز و بیلی، ۲۰۱۰). از سوی دیگر تجربه‌های سوءرفتار عاطفی یکی از عوامل مهم و خطرناک در ایجاد یا رشد اختلال‌های اضطرابی به ویژه اختلال‌های وسواسی مثل وسواس فکری به شمار می‌روند. این عامل نخست باعث می‌شود افرادی که تجربه سوءرفتار عاطفی دارند به طور پیوسته از لحاظ فکری درگیر افکار منفی و اضطراب برانگیز شده و افکار مشغول به اعمال منفی و اضطراب‌زا داشته باشند. از سوی دیگر این افکار باعث می‌شود که آنان خود را منفی و دیگران را مثبت ارزیابی کنند و برای جلب رضایت دیگران پیوسته در تلاش و تقلا باشند (دلبستگی

اشتغال خاطر). همچنین خود و دیگران را منفی ارزیابی کرده و افکار ترس از صدمه دیدن از سوی دیگران، ارتباطات سالم آنان را مخدوش کند (دل بستگی هراسان).

سوء رفتار جسمی و جنسی با دل بستگی اجتنابی رابطه مثبت و معنادار داشت. این دو نوع سوء رفتار توانایی پیش بینی دل بستگی اجتنابی دانشجویان را داشتند. این یافته با نتایج مطالعات قبلی همسو بود. برای مثال سوسا و همکاران (۲۰۰۸) یافتند که سوء رفتار جسمی با دل بستگی اجتنابی رابطه مثبت و معنادار داشت. کواکو و همکاران (۲۰۱۰) به این نتیجه رسیدند که سوء رفتار جنسی با دل بستگی اجتنابی رابطه مثبت و معنادار دارد. دانشجویانی که در دوران کودکی مورد سوء رفتار جسمی و جنسی قرار گرفتند، کسانی بودند که توسط والد یا مراقبان بارها با رفتارهای پر خاشگرانه دچار صدمه جسمی شدند که این امر نخست باعث می شود برای رهایی از صدمه های جسمی یا به آنها اعتماد نکنند و یا خود را از والدین دور کنند. این امر در نهایت باعث شکل گیری دل بستگی اجتنابی می شود. افرادی که مورد سوء رفتار جنسی قرار گرفتند کسانی بودند که توسط والد یا مراقبان خود مورد تجاوز یا رفتارهایی با هدف ارضای جنسی قرار گرفتند، این تجربه باعث شده است آنان یک مدل کارکرد درون روانی منفی نسبت به دیگران مبنی بر اینکه دیگران بد و آزارنده هستند و باید از آنان دوری کنند، شکل بدهند. از سوی دیگر چون خودشان برای این آزار دیدن هیچ خطایی مرتکب نشدند، همچنان حس مثبت به خود دست نخورده باقی می ماند و در نتیجه الگوی دل بستگی اجتنابی در آنان شکل می گیرد. در تبیین توانا بودن سوء رفتار جسمی و جنسی در پیش بینی دل بستگی اجتنابی می توان گفت تجربه های سوء رفتار جسمی و جنسی باعث می شود که افراد نسبت به دیگران نگرش منفی پیدا کنند و بیشتر به خود روی بی آورند که این امر نخست باعث به وجود آمدن کارکرد مثبت به خود و کارکرد منفی نسبت به دیگران می شود و در نتیجه در ارتباطات اجتماعی این افراد همیشه هشیار، گوش به زنگ و محطاط بوده و نتوانند به طور طبیعی به دیگران اعتماد کرده، نزدیک شوند و لذا از برقراری ارتباط صمیمی ناتوان باشند.

در نهایت یافته ها نشان داد که سوء رفتار غفلت با دل بستگی های نایمن (اشتغال خاطر، هراسان و اجتنابی) ارتباط معنی داری ندارد. این یافته با نتایج پژوهش های قبلی مغایرت دارد. برای مثال در مطالعه کاراکوش (۲۰۱۲) بین سوء رفتار غفلت با دل بستگی اشتغال خاطر ارتباط مثبت و معنادار یافته شد. یکی از دلایل این مغایرت شاید ریشه در تفاوت فرهنگ ها داشته باشد. در فرهنگ ایرانی زندگی خانواده گسترده و ارتباطات فامیلی هنوز کماکان حفظ شده و نقش خود را در حمایت از افراد فامیل همچنان متجلی می سازد. این وضعیت با فرهنگ تاکید به فردگرایی و زندگی مستقل که در اکثر زندگی های کشورهای غربی وجود دارد، متفاوت است و لذا شاید غفلتی که توسط والدین در خانواده های ایرانی نسبت به کودکان اعمال می شود، توسط فامیل های نزدیک که غالباً نزدیک به هم نیز زندگی می کنند جبران می شود و اگر چه باعث ایجاد دل بستگی ایمن نمی شود اما شاید مانع از تشکیل دل بستگی نایمن شود.

نوع دل بستگی تعیین کننده نوع ارتباطات فرد با افراد مهم زندگی و اجتماع است که بنیان آن در سالهای اولیه زندگی پی ریزی می شود. یکی از عواملی که در شکل گیری آن موثر است، سوء رفتارهای دوره کودکی است. در پژوهش حاضر یافته شد که سوء رفتارهای جسمی، جنسی و عاطفی این توانایی را دارند که در شکل گیری ابعاد دل بستگی هراسان، اشتغال خاطر و اجتنابی موثر واقع شوند. لذا والدین برای جلوگیری از شکل گیری دل بستگی نایمن باید مراقب باشند تا فرزندان آنها تحت هیچ یک از سوء رفتارهای جسمی، جنسی، عاطفی و غفلت قرار نگیرند. همچنین مدیران و مربیان مهدکودک ها باید از تاثیر سوء رفتارهای دوره کودکی بر شخصیت بزرگسالی کودکان آگاه باشند و با تدارک برنامه ها و بازی های گروهی شاد و مفرح برای همه کودکان از تجربه سوء رفتار در کودکان توسط سایر افراد جلوگیری کنند. علاوه بر آن برنامه ریزان، مسئولان و دست اندرکاران برای والدین، مدیران و مربیان مهدکودک ها به طور پیوسته برنامه ها و کارگاه های آموزشی مناسب جهت ارتقاء آگاهی و مهارت های والدگری و تربیت کارآمد برگزار کنند.

مهمترین محدودیت این پژوهش استفاده از ابزارهای خود گزارش دهی بود. در چنین ابزارهایی ممکن است افراد نسبت به پاسخگویی به گویه ها سوگیری داشته باشند و مسئولانه به گویه ها پاسخ ندهند که این امر تا حدودی دقت نتایج را کاهش می دهد. محدودیت دیگر محدود شدن نمونه به دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد ارومیه بود. آخرین محدودیت اینکه تجربه سوء رفتار دوره کودکی اطلاعاتی درباره دوران کودکی از افراد می پرسد و با توجه به اینکه گذشت زمان ممکن است، اطلاعات را تحریف کند، لذا این امر تا حدودی دقت نتایج را کاهش می دهد. بنابراین پیشنهاد می شود در پژوهش های آتی برای جمع آوری داده از مصاحبه های ساختاریافته و نیمه ساختاریافته استفاده شود. انجام پژوهش در دانشجویان سایر دانشگاه ها و سایر گروه ها مثل کودکان، نوجوانان و حتی مقایسه گروه ها می تواند نتایج جالبی در پی داشته باشد.

منابع

- زینالی، ع. (۱۳۹۲). تاثیر شیوه‌های تربیتی والدین بر نوع دلبستگی فرزندان. *خانواده پژوهی*، ۳۳، ۸۱-۶۳.
- اقدام، ر؛ علیلو، م و رضائی، ا. (۱۳۹۲). رابطه تجربه انواع مختلف سوءرفتار دوره کودکی و اختلال‌های شخصیت خوشه B. *مجله پزشکی ارومیه*، ۳، ۲۱۸-۲۱۰.
- محمدصادقی، ه؛ احمدزاده اصل، م؛ محمدصادقی، م؛ قنبری جلفایی، ع و نوحه سرا، ش. (۱۳۹۴). مقایسه شیوه‌های دلبستگی در افراد مبتلا و غیر مبتلا به چاقی. *مجله روان پزشکی و روان‌شناسی بالینی*، ۲۱(۱)، ۳۷-۴۹.
- Davidson, S., & Ireland, C. (2009). Substance misuse: The relationship between attachment styles, personality traits and coping in drug and non-drug users. *Drugs and Alcohol Today*, 9(3), 22-27.
- Doron, G., Moulding, R., Kyrios, M., Nedeljkovic, M., & Mikulincer, M. (2009). Adult attachment insecurities are related to obsessive compulsive phenomena. *Journal of Social and Clinical Psychology*, 28(8), 1022-1049.
- Fujiwara, T., Okuyama, M., & Izumi, M. (2012). The impact of childhood abuse history, domestic violence and mental health symptoms on parenting behaviour among mothers in Japan. *Child: care, health and development*, 38(4), 530-537.
- Gordon, I., Zagoory-Sharon, O., Schneiderman, I., Leckman, J. F., Weller, A., & Feldman, R. (2008). Oxytocin and cortisol in romantically unattached young adults: associations with bonding and psychological distress. *Psychophysiology*, 45(3), 349-352.
- Herrenkohl, T. I., Sousa, C., Tajima, E. A., Herrenkohl, R. C., & Moylan, C. A. (2008). Intersection of child abuse and children's exposure to domestic violence. *Trauma, Violence, & Abuse*, 9(2), 84-99.
- Karakus, Ö. (2012). Childhood abuse and attachment styles of adolescents. *Electronic Journal of Research in Educational Psychology*, 10(27), 645-658.
- Kwako, L. E., Noll, J. G., Putnam, F. W., & Trickett, P. K. (2010). Childhood sexual abuse and attachment: An intergenerational perspective. *Clinical child psychology and psychiatry*, 15(3), 407-422.
- Meyer, B., Pilkonis, P. A., Proietti, J. M., Heape, C. L., & Egan, M. (2001). Attachment styles and personality disorders as predictors of symptom course. *Journal of Personality Disorders*, 15(5), 371-389.
- Mohamad Khani, D., Mohammadi, M., Nazari, MA., & Razaghi, OM. (2003). Development validation and reliability of child abuse self-report scale in Iranian student. *Medical Journal of The Islamic Republic of Iran*, 17(1), 51-58.
- McWilliams, L. A., & Bailey, S. J. (2010). Associations between adult attachment ratings and health conditions: Evidence from the National Comorbidity Survey Replication. *Health Psychology*, 29(4), 446-453.
- Mikulincer, M., & Shaver, P. R., (2005). Attachment theory and research: Resurrection of the psychodynamic approach to personality. *Journal of Research in Personality*, 39(1), 22-45.
- Mizuki, R., Fujiwara, T., & Okuyama, M. (2015). Impact of maternal childhood abuse history on child's attachment problems. *Paediatrics and Health*, 3(1), 3.
- Myers, LS., Gamest, G., Garino, AJ. (2012). *Applied multivariate research* (Translate by Sharifi, H., Farzad, V., Rezakhani, SD., Hasanabadi, HR., Izanlo, B., Habibi, M.). Tehran: Roshd Publication (Persian)
- Pickering, L., Simpson, J., & Bentall, R. P. (2008). Insecure attachment predicts proneness to paranoia but not hallucinations. *Personality and Individual Differences*, 44(5), 1212-1224.
- Polek, E., van Oudenhoven, J. P., & ten Berge, J. M. (2008). Attachment styles and demographic factors as predictors of sociocultural and psychological adjustment of Eastern European immigrants in the Netherlands. *International Journal of Psychology*, 43(5), 919-928.
- Sadock, B. J., Sadock, V. A., Ruiz, P. (2009). *Relational problems in comprehensive textbook of psychiatry* (9 Ed). Philadelphia: Lippincott Williams & Wilkins.
- Sousa, C., Herrenkohl, TI., Moylan, CA., Tajima, EA., Klika, JB., Herrenkohl, RC., Russo, MJ., Longitudinal study on the effects of child abuse and children's exposure to domestic violence, parent-child attachments, and antisocial behavior in adolescence. *Journal of Interpersonal Violence*, 26, 111-136.
- Schmitt, D. P., Alcalay, L., Allensworth, M., Allik, J., Ault, L., Austers, I., & Braeckman, J. (2004). Patterns and universals of adult romantic attachment across 62 cultural regions: Are models of self and of other pancultural constructs?. *Journal of Cross-Cultural Psychology*, 35(4), 367-402.
- Sibley, C. G. (2007). The association between working models of attachment and personality: Toward an integrative framework operationalizing global relational models. *Journal of Research in Personality*, 41(1), 90-109.
- Van Oudenhoven, J. P., Hofstra, J., & Bakker, W. (2003). Ontwikkeling en evaluatie van de Hechtingstijlvragenlijst (HSL)[Development and evaluation of the Attachment Styles Questionnaire]. *Nederlands tijdschrift voor de psychologie*, 58, 95-102.